

نگاهی بوضع افراد استثنائی ناشنوایان



تلويز یون باید اجازه دهد که ناشنوایان بر نامه های ویژه خود را اجرا کنند

سایه ایان حواسی رسانه سایه بیوین مربوط اینبار کنود جبار
میگردید اینکه ایان که حسین چشم ایان تذوق عقایق کنایه داشت
میگردید آنرا بای خوبی هنری آماده میگردید.
از اینجا شعر بیدار باشد گشته باشد که در اینجا نیز
جبار با خوشی و ملهمی سوچویی هم باشد روح نویسی خود را
دارد. گاردن ایان سایه سایه ایان را میگیرد که اینها بعده من گشته باشد
برای خودش نهایی گشته باشد ای
داند که سایه ایان درست برای دارند و در دهان ای ای ای ای ای ای
لهموون به مردم گشته باشند که در وقت سایه ایان را در عالم ایان ایان
میگویند بدهد نامنحوه حیث گاهی ایان کند.
کارهای ناشنوه ایان باشد بخود آنها و اکنداشود

ناشنوایان خواستار ملاقات با رهبر خود هستند

بدیال جرس های کلی و نهاده گواهیهای در مورد اوراد استانی
اجسوسا کوکدان گشلا در خند موزه در آن بروز راهنمایی داشت. دراز
و قبول ماتر این بود که خرسان در مورد کوههای مختلف اوراد استانی
در حامنهای مختلف چنین کنم و گواری سینه سالم را چنین اظهاره هدایه اراد
مکنول و علامت و معنید جای رسیده که در بوده ماسلیان اول مار بهه
و جای رسیده این بار هم با انسانی سام جان که اطلاعات و گرفتن
حوالات در زیارت این اینستیتیوی ساری گردانیم و مساعی از این در پیز
سوامی اورده سرخ سارمان و فرانسیس اسپویان رفم را ماستولن آنها و
تو سارخ دهد آنها برویه سارمان و رنگ اینها اسکن کنم و در محظی
اسمنی ساق برسی و معنید اینها مسلکان را همچو کشته همچو حرس و
آسرا در بدرس اذکار معمون درار دهم. اما میانکاره این دکتر عمل نرسید و
میتوانی این سارمان گه سوا شسته حاضر به رود روپی و دادن اطلاعات
و سخنانی مسائل و نکلان سارمانی متنیده و به معاونین محلت در فال
یک بورگاریا بودند ما را تقدیرتند و در تبعه تمام سوالاتی میخواهی
مانند و سینه بزرگ یک سوال از سوالات و سینه اندامهای از این اندامی بوسطه عقای
جند گنو میتوانیم اسما حواسی بدایم. آنست ایکت ساندی ایستانا
ما حواس سوالات زیر را بعد از این سوال میتوانیم از منابعی میر
رسول مطلق و دست اندکاران قلی مسائل ساروانان نمایند اوره و
برای حواسهای غیره جای جریان اما حواسی اول بار از میتوانی
ساروانان گه در این ایکلی میتوان سوال و معنید مایه میتوانیم
که در میتوانیم این دم مبارک و هنگاری میتوانیم در زیر
چنین گواری سینه مده از اندکان و ای اندامی و حواسها بعنی گردد و در
این گواری حل شود و از عذرها بسته شدند. در نسخه ای بهمن
سیوره ایان دست و سر در قالب والهای بیرونی خواهند بود. میگردند و در آنده
سی حواسی گردید گواری خانع تر و مایل قبولیتی با اسفاده از مخصوص
و لاملاحتان مسائل ساروانان سینه سالم و بر بیانه مولی گردید این برابر

بر اثر بود کر اسی حاکم بر سازمان،

سٹوالہا بی جواب ماند

- چه بحث‌هاست از درس‌ها وجود دارد؟
- تعداد سایه‌آیان ایران چقدر است؟ تصور در چه می‌شود؟
- از مطر برآنگاهی سفر در کجاها (آسیاها - سیرها و روسیاه) رسدگی میکند؟
- امولا - چه چیزی سایه‌آیان مکنید و چه میخواست آنها را بخوبی خانم نامی‌دانند؟
- غلول مدد ناکوای جسته است امتحانه فرمه فاعل درمان هستد و چند درست نیز بحال درمان ندهاده؟

سرھایی از فہلان

سورة جمهہ

رس‌های از قرآن

الله اولى الاشارة كما هي معنى بالرواية
حيث هى راستورك هى تبرهن ببيان سارك مزاعر درك
ان نسب وابن برد هاي بحدودىسى وخطل تكى داوارها باسل
دشكان هى بردارنا تانور سپرسى كدرمن عطاكماده اى ن مصادق
المومن بيكار سارك هى رادري عنام كرو وسامت بلند
مرتبا وحکمت مو زردك توانم سه
پس آنانك خود را اهل كل ميدانيد وظیر خود را در جه و بودي حاس
مسمازيرن و داشت محدود خود را من سنت مطلق مي ميدارند و مير خود
عام حکم سپهه و از طوين كتاب وحشت و تفكير است آور داده
حکمت سخواهانه باجه حدار اوادي حکمت مذوده و از سرچشل حفظ

آن‌ساده‌اند عوّان داشتندی سام‌غم وین هنام‌درزه‌مان
سام‌برگواه‌میسا رمغوت‌شتن به بی‌باری درمان دوم خود جده
بود اموال‌حكم بعی بدرخکت های‌عنی کسکه دربرداوه‌کنیه‌ای
توانکون راسیوان بافت همچون مذری که دردامان اوفریدان متعددی
اواره‌اند

روی اینجهل کنند ای بود که عرب برای حکم زیران قتل از عذت
عذت ابوالحکم دربارگرفت! وجه شوان ماسائی ریبارا و جود-جک-
سی و اشکان آخوند آن از طریق معلم سرتیب محمد، برداشت معنی
نماینده نمودند که کردن و بخای اخلاق اسلامی برآد و سین زمان
ناهایت مادن و بخای موادرن سلطنه عدل الهی مذراوات خود ساخته
له دوست نگهداری و بخای الله، الله والمربيین معنی سهیانی
اک مطلق نکر سری است در مرحله موسمنگردان و برگرد آن
برحمد و بخود را این پویاهای آلان ساختن، رحیل جه ماسی
شوان داد و کسانی که نعم خود را اینجا نهادند مطالب سی از سی
ناخداش احراب اینجهل که شوان بخند؟

و اما بریت فوارکر فیض بات دوی بعنی "دوی" و حکم شه بوچین تایل نوچه و تعقیب بیانات حداودت خود را آنچنان رمانداری معرفی میکند که دلوس بساد تعنی وجودی است همه باکی، لئن آنچنان باک و سترهن که رعنی دلوب ناک است و سره، تعنی اگر کسی با حکمیت ظاهر ندنس سرخوردار بود دلوب آنکه درباری در دست داشته باشد بدهش او بر جهاد اعتماد شوان گرد کی باکی و بدهش در هنگام پشت آگار سود و اگر کسی خود را سارایکه درزت سراند و بین در یکه دربار و واپسکی های آن الوده و سمجل سند علا نهدس بود را سان داده است.

و آنها که عماری از مهرید حزاراند و سهبا نکی از آنها که حیجنون

حاله لطف ماندن و تجای موادر سقط و عدل المهن مکرات حود ماجده را به دودست بکھداسن و تجای الله . اله رابریسدن بعی مبهاتی را که سخلو فکر سری است در مرحله برسن بکھداسن و برگرد آن جو خدمت و خود را برای همیای آنان ماسن . حرجهل جه ماسی سوان داد و کسانی که غیر حود را باشانی جین مطالب من از ای

و اما سریست فرازگفتن مفاتق قوی بعیشی دهون عزم
حکم سر بوجنی دانل توجه و نعمت نیماند
خداوند خود این انجان رساناداری عرفی منکد که دهون
سیاست بعیشی و خودی است هدایتی، لذت انجان باک و بمنی که
در عین دربر باک است و سرمه. یعنی اکر کسی با حکومی ظاهر
و مدنی پژوهشوار بودند آنکه مدنسی در دست داشته باشد
برندهنس او نیز جهان اعتماد سوان گردید که باکی و مدنی در هنگام
دربر آشکار بود و اکر کسی خود را به آریکندتر و ساده و سیس در
که دربر و واسنکی های آن الوده و مستحمل نه مثلاً مقدس
جود را میتوان داده است.

بازی صدی مدعای مقدمی و ادعای دروغین مددس مایان
بر هنگام شلوغ برآورده در تأثیر میتواند در درست مددس مایان
کار کند. اما گاهی دفعه داد است که در مددس مایان

محل و محل سعده لکی هر قلچ جو دنای سندري که جو پسنه
ا به نومن سرطانلو ندیم آراسته است در نهان ما سواب قادر
ما گفت محترم زبانی بوسن مصوی خود را بعنوان دیگر نهاب
با را از چهار و اعمت خود دورانگشته و از نومن آنسخان سیدرو
برون ساخت. آرقی
حقوق بود که ریگ تحریر آن دیمان نامه روی سود هرگذرا و عنای
نیاز رها چنان را در اینان در ایندای گارس نگزید و این ظهاره را
آنان کارس ادامه دهد تا به ماهیت می ارس این حاذان گفت
که بود و رفیق سرس را نگزید تا به میان عازی از سهر و سودن
ربایه و اند سود و در نهان چهانی دورسای حکومت گندی.
حائل، بیکون، بورن، و کارن و کاربرها را زند بطری

نگداشتند و این انسان را که سه سویی شلیمان نهاد میخواستند بروج
تکمیل نمایند همچنان میگفتند و لریم او را بدوست بدهند را برخوب داشتند
و سر از سر است دادند شلیمان از آن که خفت حنون میشد زیرا
در شلیمان عرب و مقدرت ایشان که حکمت حکم حکیم حکمت حکیم حکیم
صلاح آموده بودند پرداخت و گردد حکمت بدور در درت گاری از این
بیوانه برد همچنانکه والی بدون ندرت را ندیم سودی ندادند و از
ن طرفی رسوانید.

پس می‌رای آنکه حکومت پاکستان باید از تندی و خرس و حکم سربست اولویت برخوردار نباشد و معابری دیگر اگرچه وجود کام حکومت خود را در جیان هستی پردازی فارغ نباشد اینها از نسبت بی‌زمینی کند و می‌توانند عوایقی آن را از سوی های اندیختن شاد و در هنگاتی بوسیله حکم را سر روی این بردندگان ایجاد نمایند و از مسیرهای حداقت مخصوص باند و از ماد و بازار گزینید.

حال نهضت راه ردمعد حکومی و پس در بعد حکومت جهانی طرح کیم و سیمین مدعاو حکومت به جبل آراسته اندیمه حکم؟

خوب تجاهل بودن ایا کنم کاهم بر اساس این بودجهات سازمانی

حکوم آریزدان حجل و ارها لدو مردیه حکم روی آرند!
خدخونکه ای سرای روش اینه لام است و آن اینکه حکم
و حکوم اینکه رسته است و حاکم و خشم سرمهین سوال و همچنانکه
ارتلر ظاهر اینکه رسمه من مسائب در عینی هم حرام اینه سوده
است: عقولاً اینه کار خانعه سایی به که میشی برخورد آردد
و یعنی خانعه خود را درست داشته اند بتوانسته اند به طبقی انس
دانانی بعادری این حکم الگوسوان سرای نام دانانی و حکم دنیاد
حکومت را ندست گرفته و مزدم فرمان رانند ادمعه دارد

ریاضیات و احتمالات
ریاضیات و احتمالات
ریاضیات و احتمالات

صورت واحد درسی در داشتگاه گنجانده شود.
لسته های ما هرچه روز باید سه نویس کدست را زیرباشد
بروکله خواهد شد تارهای حمامی فرش های خانه ستد و
موجله بعد بر نامه بروی مخفی ستد
اسک بخوان تک مرد مسئول، خوار ت اسماوی می بیند
شدار نموده به همه سلوکی که اندیشی می ساند ملزم و احتمال
کل از وعوه ماد کرد و هنر ساخته و حواسها و سلای بیرون مان
نمی مغلق و نملوک آن دید خود را کرد. همانطور که هموطن
پیر جسد وقت پی در شوربیون متبدی که اسماان به حضور امام رسیده
نی اسماان باندی به امام داده و امام نیز را داندی خواسته ایان
رده دوخته رساندی بود
نه اند روی که همه اشار حامه در رعایت و خاتمه و انتی سرتوده .

Journal of Health Politics, Policy and Law, Vol. 35, No. 4, December 2010
DOI 10.1215/03616878-35-4 © 2010 by The University of Chicago

